

گل صورتی و ابر سیاه

تصویر گر: اعظم عسکری

نویسنده: محرم علی دودانگه



نشر رحام اندیشه

پیشگامه کجکان ۲

به نام خدا

برای پسر: (هم)



گل صورتی و ابر سیاه



نشر رهام اندیشه

تلفن: ۵۳۳۹۶۰۹ - ۲۶۶۲۰

● لیتوگرافی: طاهّا

شابک: ۵ - ۲ - ۹۱۹۱۹ - ۹۶۱۴

● نویسنده: محرمعلی دودانگه

● تصویر گر: اعظم عسگری

● اجرای رایانهای تصاویر: رضا قهرمانی

● ناشر: رهام اندیشه

● چاپ: زیتون

● نوبت چاپ: اول ۱۳۸۱

● تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

● کلیه حقوق متعلق به ناشر است

راوی: یکی بود یکی نبود. زیر کنبد کبود یک گل صورتی بود.

گل صورتی: گل صورتی منم گل هرباغ منم. صورتی سرخ و سفید،
همیشه می‌فندم.

راوی: گل صورتی قشنگ و فوش رو گل صورتی قشنگ و فوشبو.

توی اون گوشه‌ی آسمون ما، یه فانم فورشیده بود.

خورشید: اسم من فورشیده، فانم آسمونا، مهمون باغ شما، به همه
نور میدم، به همه می‌تابم.

راوی: خورشید مهربون قصه‌ی ما، همه را دوست داره، با همه

مهربونه، آگه اون تو آسمون مانباشه، به ماها اگر نتابه....

گل صورتی: همه چیز می‌میره، می‌فوابه...

راوی: آفرین به تو که تو گل گفتی... اما بچه‌ها می‌فوام بگم که یک

روز قشنگ... گل صورتی فوت بگو پی شده بود.



گل صورتی: یه روزی، صبح قشنگ، وقتی که بیدار شدم، چشمهامو باز
کردم، تشک و لافمو تا کردم.... وای فدا چی شد چی شد،
همه جا تاریک و تار شد، همه جا سیاه و زار شد.

ابر سیاه: هاهاها... هاهاها... دیگه فورشید نمی تابه، همه جا تاریک و تاره.
اسم من ابر سیاست، آسمون مال منه، جایی که من باشم،
اونجا تاریکه و تاره... هاهاها... هاهاها.

گل صورتی: ولی من نور می فوام، شادی و شور می فوام، آگه فورشید
نباشه، آگه تو اون بالا باشی....

راوی: گل صورتی نشسته بود و هی گریه می کرد، غصه می خورد؛ ابر
بدل هر وهر می فندید، گل صورتی فقط می لرزید، ناگهان....

باد: گل صورتی چیه؟ برا چی این طوری افسرده شدی، چی شده، چرا
تو دلمرده شدی؟



گل صورتی: تو کی هستی، نمی بینمت هوا تاریکه.

باد: گل صورتی منم باد فدا، دوست تو، دوست تموم گلها. نبینم به

روز پشمهات گریه کنه، نبینم دلت پراز غصه بشه....

گل فوشبو چی شده؟

گل صورتی: ببین آسمون تاریک مارو، تو ببین روز سیاه غصه رو

توی آسمون ما فورشید نیست، آفه اون ابر سیاه پیدا شده.

باد: بگو من چه کار کنم، هرچی بگی گوش می کنم.

گل صورتی: تومی تونی ابر بدرل رو از اینجا دور کنی، بزنی کنار بره

اینجا رو پر نور بکنی؟

باد: من می تونم همه جا سفر کنم. روز و شب بپنجم و فطر کنم.

راوی: این رو گفت و پرید اون باد شجاع، رفت بالا، بالاتر تا رسید به

ابر بدرل و سیاه.





باد: آهای آهای ابر سیاه اومدم که نابودت کنم، بسوزونم تن تو دودت کنم.

ابر سیاه: ها،ها،ها،ها، تو کی هستی که می فوای منو نابود بکنی،

دود بکنی. به من می گن ابر سیاه قصه ها.

باد: منم منم بار خدا، دشمن تو دوست تموم کلها؛

اومدم به جنگ تو، بشکنم نیرنگ تو.

ابر سیاه: نمی دارم تو منو شکست بدی... زور من خیلی زیاده،

بازو هام قوی تر از هر باده. تو دیگه رفتی هستی بد دل،

هر چی فریاد بکشی دیگه نداره حاصل.... برو بیرون... برو....

راوی: ابر سیاه دود شد و هوا رفت، هیپکس نمی دونه که اون

کجا رفت. فورشید فانم صورت باد رو بوسید. گل صورتی فندید.

همه با هم: زمین ما روشن شد، دشت پر از گلشن شد.

راوی: قصه ی ما به سر رسید، کلاغه به فونه اش نرسید.





کتابخانه کودکان

۲۶۵

۷۷

E-SORATI VA ABR-E-SIAH

گل صورتی و ابر سیاه : نمایشنامه‌ای برای کودکان /

نویسنده : محرمعلی دودانگه : اعظم عسگری

تصویرگر : — ساوجبلاغ : رهام اندیشه ، ۱۳۸۱.

۹ ص. : مصور .

ISBN 964-94119-2-5

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .

گروه سنی : ۸-۱۲

۱. نمایشنامه . الف. عسگری . اعظم . . تصویرگر .

۸ ۱۲

۸۱-۱۵۸۶۸م

کتابخانه ملی ایران



نشر رهام اندیشه

ساوجبلاغ - نظر آباد - انتشارات رهام اندیشه

تلفن : ۰۲۶۶۹۶۰۹۵ - ۰۲۶۶۶۰۹۵